

تقدیم به:

پیشگاه همه شاعران متعهد
که با شعر خود
جامعه انسانی را اعتلا بخشیده‌اند.

پیشگفتار:

خدای را سپاس می‌گزارم که به من عمر و توان و حوصله بخشید تا بتوانم کاری را که وعده کرده بودم به انجام رسانم. ستایش او را سزاست و حمد بی‌پایان او را باد. سلام و صلوات بر محمد مصطفی (ص) و خاندان پاک و معصوم او (علیهم‌السلام).

کتاب حاضر به دنبال «فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض» در نوزده بحر عروضی تدوین شده و مشتمل بر 620 وزن از اوزان شعر فارسی است. از این تعداد شاید کمتر از ده درصد آن، اوزان ارجاعی و مکرر باشد که به دلایلی - از جمله سهولت دسترسی - شماره خورده است و اگر این تعداد را از جمع اوزان بکاهیم، باز هم به جرأت می‌توان گفت که این کتاب فرهنگی است که در میان کتابهای عروضی موجود، بالاترین شمار اوزان شعر فارسی را داراست.

برای تدوین فرهنگ جامع اوزان شعر فارسی، حق این بود که تمام دواوین - اعم از چاپی و خطی و اشعار سنتی و نو - تقطیع می‌شد؛ سپس بر اساس تنظیم اوزان آنها، چنین فرهنگی به وجود می‌آمد. اما انصاف می‌باید که چنان عملی با توجه به گستره و عظمت و وسعت قلمرو شعر فارسی، از عهده یک تن بر نمی‌آمد، بلکه یک کار گروهی می‌نمود که با صرف وقت و هزینه و امکانات بسیار، زمانی دراز را طلب می‌کرد و به همین دلیل تا به حال ناممکن و غیرممکن مانده است. تقاضای آرمانی این است که روزی چنین مهمتی عملی شود؛ ولی تا آن روز، کتاب حاضر به عنوان گام نخست مغتنم خواهد بود. از سویی دیگر، بر فرض که چنان فرهنگ جامعی هم فراهم می‌شد، باز نمی‌توانست مدعی باشد که تمام اوزان شعر فارسی را شامل است؛ زیرا هرآن ممکن است شاعری خوش‌ذوق و باسلیقه در گوشه‌ای از سرزمین پهناور زبان پارسی - با استفاده از قواعد عروض پویای فارسی و جابه‌جایی یا تغییر پایه‌ها - وزنی تازه بیافریند و بر این گنجینه عظیم درّی ثمین بیفزاید. همچنان که این فرهنگ نیز چنین ادعایی ندارد. به قول خواجه کرمانی:

تا چند کنی عرض عروض ای ز جهالت

ناکرده جوی حاصل و مغرور به تحصیل

بس زن که بود نادره‌گوی و سخن‌آرای

نی همچو شما غره به درّاعه و مندیل

«از وزن چه پرسید که بیرون ز شمار است

مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ»

راه دوم برای تدوین فرهنگ اوزان شعر فارسی که می‌توان از آن اصطلاحاً به «راه میان‌بر» تعبیر کرد، مراجعه به کتب عروضی و جمع‌آوری اوزان و شواهد آنهاست؛ راهی که ما انتخاب کرده‌ایم. انتخاب این روش

با آنکه تا حدّی از اعتبار تحقیق می‌کاست، ولی چاره‌ای نبود که این فرهنگ به چنین راهی برود. اگرچه به منظور وزن‌یابی افزون بر کتابهای عروضی موجود، از مراجعه به منابع دیگر - از جمله بعضی دیوانها - هم دریغ نکرده‌ایم، با این وصف هرگز نمی‌گوییم که اوزان شعر فارسی همین است و جز این نیست. در این راه هم «چه آسان می‌نمود اول ولی افتاد مشکلها!».

مشکل نخست، تشابهاتی بود که در نام‌گذاری اوزان پیش می‌آمد. در عمل مشاهده شد که مثلاً دو وزن مختلف را جز با یک نام نمی‌شود نامید. بدین معنی که پایه‌های به کار رفته در هر دو وزن - چه اصلی و چه فرعی - و در نتیجه الفاظ و اصطلاحات لازم برای نام‌گذاری یکسان است. تدبیری جز این ندیدیم که با به کار گرفتن علایمی نظیر پرانتز و غیره و اشاره به جایگاه پایه و صدر و ذیلِ مصراع، مشکل را برطرف سازیم و میان آن دو وزن تمایز نشان دهیم. برای مثال سه وزن از اوزان بحر سریع را شاهد می‌آوریم: با علم به اینکه مفتعلین از مستفعلین «مطوی» است و مفعولن از مفعولات «مکشوف» است و فاعلن از همین رکن «مطوی مکشوف» نام دارد؛ شما سه وزن مختلف زیر را چگونه نام‌گذاری می‌کنید:

1. مفتعلن مفتعلن فاعلن
2. مستفعلن مستفعلن فاعلن
3. مفتعلن مفتعلن مفعولن

ما وزن اول را «سریع مسدّس مطوی مکشوف» و وزن دوم را «سریع مسدّس (مطوی مکشوف عروض)» و وزن سوم را «سریع مسدّس مطوی (مکشوف عروض و ضرب)» نامیده‌ایم (به هر کدام) و بر همین قیاس ... مشکل دیگر اینکه شماری از اوزان بود که برابر موازین عروض و ضوابط علمی می‌شد پایه‌ها را در دو یا سه بحر مختلف یا بیشتر تنظیم و نام‌گذاری کرد. کتابهای عروضی هر کدام به سلیقه خود عمل کرده‌اند؛ اشکال چندانی هم به وجود نیآورده و تنها اختلاف و پراکندگی در نام‌گذاری و تنوع اوزان را در میان مآخذ عروضی - در مقایسه با کارهای مشابه - در بر داشته است. برای نمونه و روشن شدن مطلب به سه وزن زیر اشاره می‌شود:

الف) وزن: «مفاعِلن فاعِلن مفاعِلن فاعِلن»

- ⊞ - / - ⊞ - ⊞ - / - ⊞ - ⊞

|oo|o/oo|oo|oo|o|oo|oo

که می‌شود آن را در پنج بحر مختلف نام‌گذاری کرد:

0	بسیط مَثَمَن مخبون
00	رجز مَثَمَن مخبون مرفوع
000	مجتث مَثَمَن مخبون محذوف
0000	مضارع مَثَمَن مقبوض محذوف
00000	منسرح مَثَمَن مخبون مطوی مکشوف

- - - ⊞ - ⊞ -

ب) سلسله نظم:

o|o|oo|oo|o|o|o|o

با تقطیع: «مفعولن فاعلات مفعولن» می‌تواند در چهار بحر:

0	رمل مسدّس مُشَعَّث مکفوف
00	مجتث مسدّس مقصور مکفوف
000	مضارع مسدّس أَخْرَم مکفوف
0000	منسرح مسدّس مقطوع مطوی

برده‌ایم.

- اوزانی را که در آن، وزن مصراع اول با وزن مصراع دوم یکسان نبوده است، نیاورده‌ایم - حتی از منابع معتبری همچون المعجم و معیار - زیرا این اوزان با قالبهای شعر سنتی فارسی همخوانی ندارد.
- در تمام اوزانی که تفعله مفروقی وجود داشته؛ آنجا که تفعله سالم آمده است منفصل و آنجا که از مزاحفات بوده، متصل نوشته شده است.

- در متن مقاله‌ها، هرگاه به این نشانه () برخوردید؛ منظور ارجاع به یکی از اوزان در همین کتاب است و اگر این علامت () را مشاهده کردید ارجاع به قاعده عروضی است در هر کتاب عروضی یا در «فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض» که برای درک بهتر مطلب، آگاهی از آن پیشاپیش لازم است. ما امیدوار هستیم در چاپهای بعدی در صورت موافقت ناشر، دو کتاب در یک مجلد چاپ شود.

- چنانچه از یک وزن، تنها پایه‌ها یا افاعیل آن را در خاطر داشتید؛ برای دانستن نام وزن، یا اطلاع از خصوصیات وزن و دسترسی به شواهد، می‌توانید به «فهرست دستیابی به مدخلها از طریق پایه‌ها یا افاعیل» مراجعه فرمایید. این فهرست مهم در واقع جزو متن فرهنگ است، اما برای انسجام و زیبایی کتاب به آخر کتاب و بخش فهرس انتقال یافته است.

- در آخر مقاله‌های سرفصل بحور، زیر عنوان مآخذ، مجموعه‌هایی از ارقام را می‌بینید. هر مجموعه بر دو طرف خط ممیز (... / ...) به یک منبع خاص متعلق است که با علامت نقطه‌ویرگول (!) از دیگر منابع جدا شده است. عدد سمت راست ممیز، شماره ردیف هر منبع و عدد یا اعداد سمت چپ، شماره صفحه یا صفحات آن منبع می‌باشد. به کمک شماره‌های ردیف می‌توانید به مشخصات تکمیلی منابع - که در پایان کتاب چاپ شده است - دسترسی پیدا کنید. همچنین در مآخذ اشعار، اضافه بر کتابهای عروضی، از چاپ معروف دیوانهای شاعران یا برخی گزیده‌ها و جنگها استفاده شده که فهرست مهم‌ترین این دیوانها نیز آمده است. اگر در بخشی از شواهد شعری ملاحظه می‌فرمایید که این شواهد غالباً از کتب عروضی نقل شده و نه مستقیماً از دیوانها؛ بدان سبب بوده است که هم رعایت امانت شده باشد و هم این شواهد به نحوی مستند ما در ارائه آن وزن است. یعنی ثابت می‌کند که مثلاً این وزن را فلان کتاب عروضی با این شاهد و مثال آورده است. البته این کار با دیدی نقادانه صورت پذیرفته است.

- در نمایش اوزان، دو شماره مشاهده می‌شود که با خط فاصله‌ای (... - ...) از یکدیگر جدا شده است. شماره سمت راست، شماره ترتیبی وزنه‌های هر بحر است و شماره سمت چپ، شماره پی در پی همه اوزان. برای تحقیق و مطالعه در علم عروض بیش از پانزده سال سرمایه عمر صرف کرده‌ام و بیشتر اشتغال ذهنی مرا در این سالها «عروض» به خود اختصاص داده است:

حاصل عمر است این اوراق کار

لطف یزدان شد دمی همراه و یار

در جهان بی قرار و کجمدار

من نمانم وین بماند یادگار

امید است برای استادان گرانقدر و دبیران محترم و دانشجویان عزیز و دوستداران شعر فارسی عموماً و در پیشگاه شاعران فارسی‌زبان - که اوزان را یکجا در اختیارشان قرار داده است - خصوصاً مطبوع و مقبول واقع

شود. ضمن پوزش از معایب و خطاهای احتمالی، درخواست می‌شود چنانچه به وزن یا اوزانی تازه برخوردند، با ذکر مأخذ و شواهد کافی به نشانی ناشر ارسال فرمایند تا در چاپهای بعدی به نام خودشان چاپ و کتاب هرچه بیشتر به همتِ والای شما عزیزان پربار شود.

نیز وظیفه می‌دانم از بزرگواری و محبتِ حضرت حجّت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد احمدی ریاست محترم سازمان مطالعه و تدوین (سمت) که پذیرفتند کتاب بی‌کم و کاست چاپ شود؛ همچنین از الطاف استاد ارجمندم جناب دکتر محمدجعفر یاحقی و دوستان و همراهانی همچون آقایان محمدجواد مهدوی، اصغر ارشاد سرابی و جواد طهوریان که همواره از مشورتهایشان بهره برده‌ام، صمیمانه قدردانی و سپاس‌گزاری نمایم و ماتوفیقی الآ بالله والسلام علیکم و رحمة‌الله.

حسین مدرّسی

مشهد مقدّس، اسفندماه 1383